تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

امام موسي كاظم عليه‌السلام؛ پاسدار حقيقي اسلام

مؤلف: سيد اميرحسين كامرانی راد

## مقدمه

اين امام بزرگوار، اسلام راستيني را كه به واسطه تعاليم و مجاهدت هاي پدر وي جعفر بن محمد نظم و استحكام يافته بود، حفظ و تقويت و با وجود موانع بسيار در راستاي انجام وظايف الهي، با نثار جان خويش پايداري و فداكاري كرد.

ابوالحسن موسي بن جعفر امام هفتم از ائمه اثني عشر و نهمين معصوم از چهارده معصوم است، وي در ابواء (محلي ميان مكه و مدينه) در روز يكشنبه هفتم صفر سال 128 يا 129 ق متولد شد. به جهت كثرت زهد و عبادت معروف به «العبد الصالح» و به جهت علم و فرو خوردن خشم و صبر بر مشقات و آلام زمانه به «كاظم» مشهور شد.

آن حضرت به كنيه هاي ابوابراهيم و ابوعلي نيز معروف بوده است. مادر آن حضرت حميده كنيزي از اهل مغرب يا اندلس (اسپانيا) بوده است و نام پدر حميده را صاعد مغربي (بربري) گفته اند. برادران ديگر امام از اين بانو اسحاق و محمد ديباج بوده اند.

امام موسي الكاظم هنوز كودك بود كه فقهاي مشهور مثل ابوحنيفه از او مسئله مي پرسيدند و كسب علم مي كردند بعد از رحلت پدر بزرگوارش امام صادق عليه‌السلام (148 قمري) در بيست سالگي به امامت رسيد و 35 سال رهبري و ولايت شيعيان را برعهده داشت.

## شخصيت اخلاقي امام

او در علم و تواضع و مكارم اخلاق و كثرت صدقات و سخاوت و بخشندگي ضرب المثل بود. بدانديشان را با عفو و احسان بي كران خويش تربيت مي فرمود. شبها به طور ناشناس در كوچه هاي مدينه مي گشت و به مستمندان كمك مي كرد. مبلغ دويست، سيصد و چهارصد دينار در كيسه ها مي گذاشت و در مدينه ميان نيازمندان قسمت مي كرد. صرار (كيسه ها) موسي بن جعفر در مدينه معروف بود. و اگر به كسي صره اي مي رسيد بي نياز مي گشت، معذلك در اطاقي كه نماز مي خواند جز بوريا و مصحف و شمشير چيزي نبود.

## برخورد حاكمان سياسي معاصر با امام

مهدي خليفه عباسي امام را در بغداد بازداشت كرد اما بر اثر خوابي كه ديد و نيز تحت تأثير شخصيت امام از او عذرخواهي كرد و وي را به مدينه بازگرداند، مي گويند كه مهدي از امام تعهد گرفت كه بر او و فرزندانش قيام نكند.

اين روايت نشان مي دهد كه امام كاظم قيام را در آن زمان صلاح و شايسته نمي دانسته است و با آنكه از جهت كثرت عبادت و زهد به «العبد الصالح» معروف بوده است، به قدري در نظر مردم مقامي والا و ارجمند داشته كه او را شايسته مقام خلافت و امامت ظاهري نيز مي دانستند و همين امر موجب تشويش و اضطراب دستگاه خلافت شده و مهدي به حبس او فرمان داده است.

زمخشري در «ربيع الابرار» آورده است كه هارون فرزند مهدي در يكي از ملاقات ها به امام پيشنهاد كرد فدك را تحويل بگيرد و حضرت نپذيرفت وقتي اصرار زياد كرد، فرمود مي پذيرم به شرط آنكه تمام آن ملك را با حدودي كه تعيين مي كنم به من واگذاري، هارون گفت حدود آن چيست؟

امام فرمود يك حد آن به عدن است حد ديگرش به سمرقند و حد سومش به افريقيه (آفريقا) و حد چهارمش كناره درياي خزر است. هارون از شنيدن اين سخن سخت برآشفت و گفت: پس براي ما چه چيز باقي مي ماند؟

امام فرمود: مي دانستم اگر حدود فدك را تعيين كنم آن را به ما مسترد نخواهي كرد (يعني خلافت و اداره سراسر كشور اسلام حق من است)، از آن روز هارون كمر به قتل موسي بن جعفر بست.

در سفر هارون به مدينه هنگام زيارت قبر رسول الله در حضور سران قريش و رؤساي قبايل و علما و قضات بلاد اسلام گفت: السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا بن عم. و اين را از روي فخر فروشي به ديگران گفت.

امام كاظم حاضر بود و فرمودند: السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا ابت (يعني سلام بر تو اي پدر من)، مي گويند هارون دگرگون و خشم از چهره اش نمودار شد.

## زنداني كردن امام و چگونگي شهادت

درباره حبس امام موسي به دست هارون الرشيد شيخ مفيد در ارشاد روايت مي كند كه علت گرفتاري و زنداني شدن امام، يحيي بن خالد بن برمك بوده است، زيرا هارون فرزند خود، امين را به يكي از مقربان خود به امام جعفر بن محمد ابن اشعث كه مدتي هم والي خراسان بوده است سپرده بود و يحيي بن خالد بيم آن داشت كه اگر خلافت به امين برسد جعفر بن محمد را همه كاره دستگاه خلافت سازد و يحيي و برمكيان از مقام خود بيفتند.

جعفر بن محمد بن اشعث شيعه بود و قائل به امامت موسي و يحيي اين معني را به هارون اعلام مي داشت. سرانجام يحيي پسر برادر امام را به نام علي بن اسماعيل بن جعفر از مدينه خواست تا به وسيله او از امام و جعفر نزد هارون بدگويي كند. گويند امام هنگام حركت علي بن اسماعيل از مدينه او را احضار كرد و از او خواست كه از اين سفر منصرف شود. و اگر ناچار مي خواهد برود از او سعايت نكند.

علي قبول نكرد و نزد يحيي رفت و به وسيله او پيش هارون رفت و گفت از شرق و غرب ممالك اسلامي مال به او مي دهند تا آنجا كه ملكي را توانست به هزار دينار بخرد. هارون در آن سال به حج رفت و در مدينه امام و جمعي از اشراف به استقبال او رفتند.

اما هارون در قبر حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گفت يا رسول الله از تو پوزش مي خواهم كه موسي بن جعفر را به زندان افكنم زيرا او مي خواهد امت تو را برهم زند و خونشان را بريزد.

آنگاه دستور داد تا امام را از مسجد بيرون و او را پوشيده به بصره نزد والي آن عيسي بن جعفر بن منصور بردند. عيسي پس از مدتي نامه اي به هارون نوشت و گفت كه موسي بن جعفر در زندان جز عبادت و نماز كاري ندارد يا كسي بفرست كه او را تحويل بگيرد يا من او را آزاد خواهم كرد.

هارون امام را به بغداد آورد و به فضل بن ربيع سپرد و پس از مدتي از او خواست كه امام را آزاري برساند اما فضل نپذيرفت و هارون او را به فضل بن يحيي بن خالد برمكي سپرد.

چون امام در خانه فضل نيز به نماز و روزه و قرائت قرآن اشتغال داشت فضل بر او تنگ نگرفت و هارون از شنيدن اين خبر در خشم شد و آخر الامر يحيي امام را به سندي بن شاهك سپرد و سندي آن حضرت را در زندان مسموم كرد و چون آن حضرت از سم وفات يافت، سندي جسد آن حضرت را به فقها و اعيان بغداد نشان داد كه ببيند در بدن او اثر زخم يا خفگي نيست. بعد او را در باب التبن در موضعي به نام مقابر قريش دفن كردند. مدفن اين امام بزرگوار كاظمين است.

## سخنان امام كاظم در زندان

تعدادي از كتابهاي حديث به اسم «مسند» شناخته مي شود، معمولاً مسند به كتابي گفته مي شود كه احاديث آن با سند پيوسته به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم برسد. بنابراين وقتي گفته مي شود «مسند امام موسي بن جعفر عليه‌السلام» مقصود كتابي است كه احاديث آن را امام هفتم عليه‌السلام با سند و به توسط آباء و اجداد شان از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نقل كرده باشد.

مسند امام موسي بن جعفر عليه‌السلام مجموعه 59 حديث است كه در سال هاي 180 تا 182 كه امام در زندان سندي بن شاهك محبوس بودند، ابوعمران موسي بن ابراهيم مروزي به ديدار امام رفته و امام اين احاديث را براي او بيان كرده است.

اين احاديث از جهات گوناگون داراي اهميت فراوان است. زيرا اولاً در زندان بيان شده اند، ثانياً تمام احاديث آن مستند به پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است مگر اين دوازده حديث 16، 21، 22،23،29، 32،37، 38،39، 42،43،57 و ثالثاً محتوي و مضمون بلند آنها مخصوصاً در موضوعات اخلاقي سبب شده است كه براي عموم مفيد باشد.

گرچه در كتاب هاي رجالي از مذهب راوي اين احاديث بحثي نشده است ولي از خود اين احاديث و با توجه به مسند بودن آنها مي توان مذهب راوي را كشف نمود و بخواست خداوند در شرح اين احاديث از آن بحث خواهم نمود.

سند كتاب اين كتاب را شيخ ابوالمكارم مبارك بن محمد بن معمر بادرايي از ابوبكر احمد بن علي بن حسن طرثيثي از ابوعبدالله حسين بن شجاع صوفي موصلي از ابوبكر محمد بن عبدالله بن ابراهيم شافعي از ابوعبدالله محمد بن خلف بن ابراهيم بن عبدالسلام مروزي و او از ابوعمران موسي بن ابراهيم مروزي و او از امام هفتم عليه‌السلام نقل كرده است.

اين كتاب با كوشش آقاي محمد حسين حسيني جلالي مكرراً در ايران و بيروت چاپ شده است.

## احاديث

موسي بن ابراهيم مروزي گويد: موسي بن جعفر عليه‌السلام به من خبر داد، از پدرش جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علي،از پدرش علي بن الحسين، از پدرش حسين بن علي، از پدرش علي بن ابي طالب عليهم‌السلام كه فرمودند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم حديث گفت مرا: «كسي به سن بلوغ نرسيد مگر آنكه مرتكب خطايي شده است مگر عيسي بن مريم و مادرش مريم، و يحيي فرزند زكريا درود خدا بر آنان».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «كسي كه صبح كند و چيزي غير از خداوند بزرگترين همت او باشد از خدا نباشد».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «كسي كه حديثي را از من نقل كند در حاليكه مي داند آن دروغ است او يكي از دروغگويان است».

متاسفانه حديث چهارم از اصل كتاب ساقط شده است. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نهي كرد از آنكه مردي بين پدري و فرزندش بنشيند.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «بر هر مسلماني روز جمعه سه چيز لازم است: غسل، مسواك، بوي خوش». رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از صداي آرام انسان خوشش مي آمد، و از كسي كه فرياد بلند دارد بدش مي آمد.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از فحش دادن به روزها و ساعتها و باد و خورشيد و ماه وستارگان نهي نمود. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «عجب عمل هفتاد سال را از بين مي برد».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كس به رزق اندك از خدا راضي باشد خداوند به عمل اندك از او راضي باشد».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «اگر دوست داريد نمازتان افزون گردد خوبانتان را مقدم بداريد».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «قاضي عادل نخستين كسي است كه به بهشت فرا خوانده مي شود».

آمدن رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم با بوي خوش شناخته مي شد. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «اطاعت كسي در نافرماني خداي عزوجل جايز نيست».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كس خود را فرزند غير پدرش بداند روز قيامت با مشركان محشور مي گردد.»

علي عليه‌السلام فرمودند: «توانگري ياور خوبي بر اطاعت خدا است». رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر گاه خدا بنده اي را دوست بدارد گرفتارش مي كند تا تضرع او را بشنود».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كس ايمان به خدا و روز آخر دارد...»، متاسفانه بقيه اين حديث از بين رفته است.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كس بر سر راه مسلمانان آنان را اذيت كند لعنت ملائكه بر او واجب است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر گاه يكي از شما برادرش را دوست مي دارد نام و كنيه و لقب و نام قبيله او را سؤال كند».

علي عليه‌السلام فرمودند: «اشاره هنگام هلال ناپسند است».

علي عليه‌السلام فرمودند: «كسي كه بر نمازهاي پنجگانه به جماعت محافظت كند جزء غافلان نوشته نشود».

علي عليه‌السلام فرمودند: «كسي كه نزد مردم توريه مي كند به چيزي كه خداوند خلاف آن را مي داند خدا نزد مردم خوارش خواهد كرد».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «شيطان هر گونه تلاشي را عليه انسان انجام مي دهد و وقتي بر او غلبه كرد در مال او عمل مي كند و هرگز نمي گذارد چيزي را در اطاعت خدا انفاق كند».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «كسي به شيطان نزديك نشد مگر آنكه از خدا دور گرديد.»

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «با زنان مشورت كنيد و آنان را مخالفت كنيد كه درمخالفت آنان بركت است، و براي خنثي عقل نيست و براي متكبر درشت خو عقل نيست». (1)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «خداي رحمت كند كسي كه سخني مي گويد تا بهره اي از آن ببرد يا سكوت مي كند تا سالم بماند».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «خوبي كن به كسي كه اهل آن است و كسي كه اهل آن نيست،چون اگر او اهل نيكي نيست تو اهل آن مي باشي».

علي عليه‌السلام فرمودند: «مصافحه دوستي را نگه مي دارد».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كه بگويد: لا اله الا الله احداً صمداً لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً احد، خدا چهل هزار هزار حسنه براي او مي نويسد».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر گاه عرب عمامه خود را بيندازد عزت خود را انداخته است».

علي عليه‌السلام فرمودند: «مردمي بيايند كه به وسيله قرآن با شما مجادله كنند پس آنان را به سنت بگيريد، زيرا اصحاب سنت به كتاب خدا آشناترند».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كس به دين دوست خود است، پس هر كدام شما ببيند با چه كسي دوست مي شود». حسن و حسين عليه‌السلام جايزه هاي معاوية بن ابي سفيان را نمي پذيرفتند.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كس از شما مي خواهد حجامت كند روز شنبه حجامت كند».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «به هر كس اذن براي دعا داده شود درهاي رحمت به رويش گشوده شود».

علي عليه‌السلام فرمودند: «فال بد به كسي كه توكل بر خدا كند آسيب نمي رساند».

مردي را نزد علي آوردند كه به خداوند توهين كرده بود، علي عليه‌السلام فرمودند: «او را بكشيد، و هر كس پيامبران خدا را ناسزا گويد نيز او را بكشيد».

علي عليه‌السلام فرمودند: «پيامبري از پيامبران كه به او عزير گفته مي شد گفت: پروردگارا، منزهي، شان تو چه بزرگ و چه شگفت است! ابتداي تو از چه بوده است؟ سپس (به عنوان پشيماني از سؤال خود) عزير مقداري خاك برداشته بر دهان خود ريخت. خداوند عزوجل به او وحي نمود: اي عزير، دخالت در كار من نمودي، به عزت وجلال خود سوگند كه نام تو را از ديوان انبياء محو مي كنم، پس تو همراه آنان ذكر نمي شوي». (2)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «نپرداختن دستمزد كارگر از گناهان كبيره است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هرگاه خداوند براي كسي خير بخواهد او را در دين فقيه، و بيناي به عيوب خويش مي گرداند، و زاهد در دنيايش قرار مي دهد».

علي عليه‌السلام فرمودند: «از نشانه هاي نزديكي قيامت جذام و شيوع بواسير و مرگ ناگهاني است».

از اميرالمؤمنين عليه‌السلام حكم مردن موش در چاه سؤال شد، فرمودند: «چهل دلو از آن كشيده مي شود.»

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كس درباره قدر صحبت كند روز قيامت آن را از او سؤال مي كنند، و هر كه صحبت نكند روز قيامت از او سؤال نشود».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هيچ پدري فرزندش را به بهتر از ادب نيك تعليم نداده است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «گروهي روز قيامت دوست دارند كه از ثريا سقوط مي كردند اما امير بر چيزي نمي شدند».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «دعاي سه گروه رد نمي شود: پيشواي عادل، روزه دار تا آنكه افطار كند، دعاي مظلوم».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كه بگويد من عالم هستم او جاهل است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كه بگويد من در جهنمم پس او در جهنم است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «بهترين اخلاق مومنان عفو است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «امام به هر كس حد بزند همان حد كفاره گناه اوست».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر كه برادر مسلمانش را عفو كند خدا او را عفو كند». رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «خداي متعال گويد: بهشت بر كسي كه چشمانش را بگيرم واجب است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «بهترين زنان كسي است كه هرگاه چيزي به او داده شود شكر كند و هرگاه منع شود صبر كند».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم محلل و كسي كه براي او محلل انجام شود را لعنت كرده است.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر گاه كسي از شما در حال نماز باشد و زني او را بخواند پس بايد او را اجابت كند».

علي عليه‌السلام فرمودند: «روز جمعه يك دينار صدقه بده، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اين را پيش از جمعه از ما مي خواست».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «ايمان شناخت به قلب و اقرار به زبان و عمل به اندام است».

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «ايمان ندارد مگر آنكه ايمان به چهار چيز داشته باشد: شهادت دهد كه خدايي غير از الله نيست، او تنهاست و شريكي ندارد، و من رسول خدا هستم كه مرا به حق مبعوث كرده، و ايمان به قدر داشته باشد چه خير يا شر آن. و ايمان به مبعوث شدن پس از مرگ داشته باشد». (3)

## امام كاظم و نشر معارف و احكام و آداب اسلام

اشاره

يكي از بهترين ابزار انتقال فرهنگ ها زبان است. خداوند هم در قرآن اين امتياز را در خلقت انسان مطرح نموده است: (خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ)؛ «خدا انسان را آفريد؛ و به او بيان آموخت.» همه انبيا هم با زباني برخاسته از ملت خودشان برانگيخته شده اند.

قرآن مي فرمايد: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ) (سوره ابراهيم، آيه 4) «هيچ پيامبري را نفرستاديم مگر به زبان قوم خودش تا براي آنان معارف و احكام را - به راحتي - بيان كند.»

بنابراين اديان الهي، مجموعه احكام و معارف بيان شده توسط انبياء عليه‌السلام هستند و عالي ترين ميراث آنان سخنانشان است. در تاريخ درخشان اسلام نيز قرآن و دهها هزار روايت از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و ائمه هدي عليه‌السلام والاترين ميراث الهي است.

بخش عظيمي از اين دائرة المعارف بزرگ روايات، يادگار امام موسي بن جعفر عليه‌السلام است كه در زمينه هاي مختلف به صورت احاديث كوتاه و بلند به دست ما رسيده است. به گوشه اي از آنها اشاره مي كنيم:

## دليل حرمت شراب در قرآن

علي بن يقطين روايت مي كند كه روزي مهدي خليفه عباسي از امام كاظم عليه‌السلام پرسيد:«آيا شراب در قرآن حرام شده است؟» امام فرمود:«بله، شراب در قرآن حرام شده است. خداوند در قرآن فرموده: (إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإِثْمَ)؛ «پروردگار فواحش ظاهري و مخفي و گناه را حرام نموده است.» در اين آيه منظور از فواحش ظاهري، زناي علني است. (در دوران جاهليت بدكاره ها پرچم مخصوص بر سر در خانه خود داشتند.)

و مراد از فواحش باطني ازدواج پسران با نامادري خويش است. (در دوران جاهليت، پسران پس از مرگ پدرانشان با نامادري خود ازدواج مي كردند) و منظور از گناه، شراب است به دليل آيه ي ديگري در قرآن كه در آن شراب و قمار را گناه معرفي فرموده است: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ \* قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ) «از تو درباره شراب و...؟ مي پرسند. بگو در آنها گناهي بزرگ نهفته.»

مهدي عباسي به علي بن يقطين گفت: «به خدا قسم اين فتواي هاشمي رسول خداست.» علي بن يقطين مي گويد:«گفتم آري، الحمدلله كه خدا علم به اين موضوع را به شما خاندان عطا كرد.» مهدي با كنايه گفت:«راست گفتي اي شيعه» (4).

## جلوس امام هفتم در عيد نوروز

منصور دوانيقي به امام موسي كاظم عليه‌السلام پيام داد كه: «عيد نوروز در خانه بنشينيد تا براي عيد ديدني به ديدارتان بيايند؛ هدايايي را كه مي آورند نيز تحويل بگيريد.»

امام پاسخ داد:«من تمام روايات جدم، رسول خدا، را بررسي كردم و خبري از عيد نوروز در آنها نيافتم. نوروز سنتي از فارس است كه اسلام آن را محو نموده؛ و من به خدا پناه مي برم كه سنتي را كه اسلام محوش كرده احيا نمايم.»

منصور گفت:«اين يك حركت سياسي است براي جذب دل لشگريان فارس و غير عرب ما. شما را به خدا سوگند مي دهم كه همان طور كه گفتم، عمل كنيد.»

امام نيز به اجبار منصور دوانيقي در خانه خود نشستند و پسران و بزرگان و اميران لشگر براي عرض تبريك آمدند و هر كدام در خور شأن خود هديه هايي آوردند. خادمي در كنار امام مأمور بود آمار هدايا را ثبت كند.

آخرين نفر پيرمردي بود كه وقتي وارد شد، گفت:«اي پسر رسول خدا! من مردي ضعيف و فقيرم. توان تهيه هديه را نداشتم؛ در عوض سه بيت شعر آورده ام كه جدّم در مرثيه جدّ شما، حضرت امام حسين عليه‌السلام سروده است:

«تعجب مي كنم از درخشش شمشيرهاي صيقل خورده كه بر فراز اندام غبار آلوده ات در حركت بود. و از تيرهايي كه پيكر نازنيت را در برابر ديدگان اهل بيت سوراخ سوراخ مي كرد و آنها اشك ريزان، جدّشان رسول خدا را صدا مي زدند. با اين همه، آن شمشيرها و تيرها نتوانست حتي اندكي از جلالت و بزرگي جسمت را بكاهد، چه رسد به روح بلندت را!»

امام فرمود:«هديه تو را پذيرفتم. بنشين. خدا به تو خير و بركت دهد.»

سپس به خادمش فرمود:«برو پيش منصور و بگو با اين هدايا مي خواهي چه كني؟»

خادم رفت و از قول منصور چنين پيام آورد كه «تمام آنها هديه من است به شما. هر كاري كه مي خواهيد بكنيد.» امام نيز به آن پيرمرد فرمود:«تمامي اينها هديه من است به تو.» (5).

## نمونه اي از احاديث اخلاقي امام كاظم

احاديث اخلاقي امام كاظم عليه‌السلام فراوان است، كه به چند مورد اشاره مي شود:

- همسايه خوب كسي نيست كه فقط همسايه اش را نيازارد بلكه كسي است كه آزار همسايه اش را تحمّل كند.

- با برادرت به يك باره بزرگي و هيبت خود را كنار مگذار و اندكي از هيبت خود را نگهدار، چرا كه از بين رفتن همه مهابتت، حيا را نابود خواهد كرد.

-عاقل دروغ نمي گويد، اگر چه برخلاف ميلش باشد.

- خداوند فرد بخشنده ي خوش اخلاق را حمايت مي كند.

- روزي امام هفتم عليه‌السلام دو نفر را ديد كه به هم ناسزا مي گويند. فرمود:«آن كس كه شروع كرده ظالم تر است و گناه خودش و طرف مقابلش بر اوست.»

- از شوخي بپرهيز كه نور ايمانت را مي برد و مردانگي ات سبك مي نمايد.

- از ملالت و كسالت بپرهيز كه تو را از آخرت محروم مي سازد. (6).

## نمونه اي از احاديث تربيتي امام كاظم عليه‌السلام

از حضرت امام موسي كاظم عليه‌السلام احاديث فراواني روايت شده است، به گوشه هائي از آن توجه كنيد:

- كفاره كارمندي و خدمت به سلطان ظالم، نيكي و احسان به برادران ايماني است.

- در موقعيتي كه ظلم و ستم بر حق و عدل غلبه دارد و حكومت عادلانه الهي جاري نيست، نبايد به حكومت شخص ديگري خوش گمان باشيد؛ مگر آنكه به نيكي و عدالت او ايمان داشته باشيد.

- ياري ضعيفان از بهترين صدقات است.

- هر كس در پي رياست باشد به مهلكه مي افتد، و هر كس خودبيني در دلش راه يابد، هلاك مي گردد.

- عقل هيچ كس كامل نمي شود مگر با داشتن اين صفات: كفر و شر از او دور باشد، خير و رشد از او تراوش نمايد، اضافه ي اموالش را ببخشد، زيادي كلامش را براي خودش نگه دارد، بهره اش از دنيا تنها قوت اندكي باشد، در طول زندگي از علم سير نشود، ذلت همراه خدا برايش بهتر از عزت با غير خدا باشد، تواضع را بهتر از بزرگ بيني ببيند، كار خوب و كم ديگران را زياد بيند و كار زياد و خوب خود را اندك بشمرد، خود را بدترين فرد، و ديگران را بهتر از خود بداند.

از احاديث بلند امام كاظم عليه‌السلام حديثي است كه هشام بن حكم روايت كرده است كه بيش از صد سطر، و حاوي نكات معرفتي، تربيتي فراوان است. محور اساسي آن ارزش عقل است كه به بخشي از اين روايت مفصل اشاره مي شود:

«اي هشام! خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است:

حجتي ظاهري و حجتي باطني.

حجت ظاهري همان پيامبران و رسولان و امامان هستند و حجت باطني عقل است. هر كس سه چيز را بر سه چيز مسلط كند، گويي به نابودي عقلش كمر بسته است:

كسي كه با آرزوي بلند، نور انديشه اش را تاريك سازد، شكوفه هاي حكمتش را با سخنان اضافي و بي مورد از بين ببرد و با شهوات نفساني نور عبرت خود را خاموش نمايد. چنين كسي گويي از هواي نفس خود براي نابودي عقلش كمك گرفته، و هر كس عقلش را نابود سازد دين و دنيايش را از دست داده است.

نشانه عقل، صبر بر تنهايي است. پس هر كس عقل الهي داشته باشد، از اهل دنيا و مشتاقان به آن دوري مي گزيند و به آنچه نزد خداوند است علاقمند مي شود. خداوند نيز همراه تنهايي او و غناي فقر او و عزت بخش او خواهد بود.» (7).

## پاورقي

1. البته منظور اين نيست كه اگر خانم ها نظرخوب و درستي دادند مخالفت كنيد. بلكه به دليل علاقه به همسر از وظايف الهي كوتاهي نكنيد و قدرت نه گفتن به زن و همسر را داشته باشيد.

2. از اين حديث استفاده مي شود كه تفكر در ذات خدا جايز نيست و تنها بايد در اوصاف و افعال خدا بحث نمود.

3. همه احاديث اين كتاب مثل سند اول از امام كاظم(عليه‌السلام) تا رسول خدا يا اميرالمؤمنين (عليهما‌السلام) سند متصل دارند، و اين سند طلايي (سلسلة الذهب) درهمه آنها تكرار شده است، و ما فقط به ترجمه متن احاديث اكتفا كرديم.

4. بحار الانوار، ج 48، ص 149، ح 24 از كافي.

5. بحار الانوار ج 48، ص 108، از مناقب.

6. تحف العقول.

7. اصول كافي ـ كتاب العقل باب 1 ح 12.

ری مانند آزاد کردن بنده دارد».

فهرست مطالب

[مقدمه 3](#_Toc523571838)

[شخصيت اخلاقي امام 4](#_Toc523571839)

[برخورد حاكمان سياسي معاصر با امام 5](#_Toc523571840)

[زنداني كردن امام و چگونگي شهادت 7](#_Toc523571841)

[سخنان امام كاظم در زندان 9](#_Toc523571842)

[احاديث 10](#_Toc523571843)

[امام كاظم و نشر معارف و احكام و آداب اسلام 16](#_Toc523571844)

[دليل حرمت شراب در قرآن 17](#_Toc523571845)

[جلوس امام هفتم در عيد نوروز 18](#_Toc523571846)

[نمونه اي از احاديث اخلاقي امام كاظم 20](#_Toc523571847)

[نمونه اي از احاديث تربيتي امام كاظم عليه‌السلام 21](#_Toc523571848)

[پاورقي 23](#_Toc523571849)